

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

بررسی تطبیقی نمادپردازی حیوانات در کلیله و دمنه
و مرزبان نامه

استاد راهنما:

دکتر تقی اجیه

استاد مشاور:

دکتر سید علی اصغر میرباقری فرد

پژوهشگر:

بهنام رضایی خمسلویی

دی ماه ۱۳۸۹

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات
و نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع این پایان‌نامه
متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه ادبیات

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی ادبیات

آقای بهنام رضایی خمسلویی تحت عنوان

بررسی تطبیقی نمادپردازی حیوانات در کلیله و دمنه و مرزبان نامه

در تاریخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۲ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

۱- استاد راهنمای پایان نامه دکتر تقی اجیه با مرتبه‌ی علمی استادیار امضا

۲- استاد مشاور پایان نامه دکتر سید علی اصغر میرباقری فرد با مرتبه‌ی علمی دانشیار امضا

۳- استاد داور داخل گروه دکتر غلامحسین شریفی با مرتبه‌ی علمی استادیار امضا

۴- استاد داور خارج از گروه دکتر مرتضی رشیدی با مرتبه‌ی علمی استادیار امضا

امضای مدیر گروه

تقدیم به پدر و مادر عزیزم:

خدای را بسی شاکرم که از روی کرم پدر و
مادری فداکار نصیبم ساخته تا در سایه
درخت پر بار وجودشان بیاسایم و از ریشه
آنها شاخ و برگ گیرم و از سایه وجودشان
در راه کسب علم و دانش تلاش نمایم .
والدینی که بودنشان تاج افتخاری است بر
سرم و نامشان دلیلی است بر بودنم چرا
که این دو وجود پس از پروردگار مایه هستی
ام بوده اند ، دستم را گرفتند و راه رفتن
را در این وادی زندگی پر از فراز و نشیب
آموختند .
آموزگارانی که برایم زندگی؛ بودن و انسان
بودن را معنا کردند
حال این برگ سبزی است تحفة درویش تقدیم
آنان

چکیده

نماد و نمادپردازی از دیرباز در میان اقوام و قشرهای مختلف رایج بوده است و هر گروه برای بیان عقاید و دیدگاه‌های خویش از زبان رمز و نماد، بهره‌های فراوان جستجاست؛ اما مطالعات دقیقی در این باره در ادبیات فارسی تا حدود پنجاه سال پیش انجام نگرفته است. پس از روی آوردن برخی از روانشناسان از جمله فروید و یونگ به این عرصه بود که نماد و نمادپردازی یکی از رویکردهای جدید در مطالعه آثار ادبی شد. در میان آثار بزرگ ادب فارسی بیشترین مطالعه در مورد نماد، بر روی آثار ادبی عرفانی صورت گرفته است؛ چنان که کتاب با ارزش رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی از استاد پورنامداریان گواهی موثق بر این ادعاست.

دو کتاب: «کليلة و دمنه» و «مرزبان نامه» با غنای نمادینی که دارند، آن چنان که شایسته و بایسته باشد، مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. اگر هم تحقیقاتی در مورد این دو کتاب انجام گرفته، بیشتر به بررسی صناعات ادبی این دو کتاب در قالب و یا دیدگاه نثر فنی ادبی بوده است. در این تحقیق به بررسی دو کتاب کليلة و دمنه و مرزبان نامه از جنبه‌های مختلف نمادی پرداخته شده است. دو کتابی که می‌توان هر دو را نماینده آثار نمادین ادبی در دو سرزمین ایران و هندوستان دانست.

کلید واژه ها: نماد، فابل، کلیله و دمنه، مرزبان نامه، مطابقت و مقایسه.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات
۱-۱-۱	نماد
۲-۱-۲	پیشینه نماد
۳-۱-۳	تعریفات نماد
۳-۱-۳	خودآگاه و ناخودآگاه
۴-۱-۴	انواع نماد
۴-۱-۴	نماد در اسطوره:
۴-۱-۲	نماد در دین
۴-۱-۳	نماد در عرفان و تصوف
۵-۱-۵	تقسیم بندی‌های دیگر نماد
۶-۱-۶	نماد ادبی
۷-۱-۷	فابل و یا داستان رمزی
۷-۱-۱	علت روی آوردن به فابل
۷-۱-۲	خصوصیات فابل
۸-۱-۸	کلیله و دمنه
۹-۱-۹	مرزبان نامه
۳۰	نکاتی چند درباره نماد در این دو اثر
	فصل دوم: نماد حیوانات در کلیله و دمنه
۱-۲-۱	آهو
۲-۲-۲	ببر
۳-۲-۳	پلنگ
۴-۲-۴	جغد(بوم)
۵-۲-۵	خر
۶-۲-۶	خرچنگ (پنج پایک)
۶-۲-۱	خرچنگ در داستان ماهیخوار
۶-۲-۲	پنج پایک راهنمای غوک

عنوان	صفحه
۷-۲- خرگوش	۳۷
۱-۷-۲- خرگوش و شیر	۳۷
۲-۷-۲- خرگوش و فیل‌های متجاوز	۳۸
۳-۷-۲- خرگوش و کبک انجیری	۳۹
۸-۲- راسو	۳۹
در باب زاهد و راسو	۳۹
۹-۲- روباه	۴۰
۱-۹-۲- روباه و طبل بزرگ	۴۰
۲-۹-۲- روباه	۴۰
۳-۹-۲- روباه در حکایت اول از باب بوزینه و باخه	۴۱
۱۰-۲- زنبور	۴۲
۱۱-۲- سگ	۴۲
۱۲-۲- شتر	۴۲
۱۳-۲- شغال	۴۳
۱-۱۳-۲- دمنه	۴۳
۱-۱-۱۳-۲- دمنه در باب شیر و گاو	۴۳
۲-۱-۱۳-۲- دمنه در باب باز جست کار دمنه	۴۷
۲-۱۳-۲- کلیله	۴۸
۳-۱۳-۲- شغالی که به زاغی کمک کرد	۴۹
۴-۱۳-۲- شغال در حکایت ۸ از باب شیرو گاو	۴۹
۵-۱۳-۲- شغال در باب شیر و شغال	۵۰
۶-۱۳-۲- شغال در باب ماده شیر و تیرانداز	۵۱
۱۴-۲- شیر	۵۲
۱-۱۴-۲- شیر در باب شیر و گاو	۵۲
۲-۱۴-۲- از شیردر ذیل باب شیرو گاو در حکایت پنج	۵۷
۳-۱۴-۲- شیر در حکایت ۸ از باب شیر و گاو	۵۷
۴-۱۴-۲- شیر گر گرفته	۵۸
۵-۱۴-۲- شیر در باب شیر و شغال	۵۸

عنوان

صفحه

۶۱	۶-۱۴-۲- مادر شیر در باب بازجست کار دمنه.....
۶۳	۷-۱۴-۲- مادر شیر در داستان شیر و شغال پرهیزگار.....
۶۳	۸-۱۴-۲- ماده شیر.....
۶۵	۱۵-۲- طیطوی.....
۶۵	۱۶-۲- طوطی.....
۶۶	۱۷-۲- فنزه.....
۶۷	۱۸-۲- فیل.....
۶۸	۱۹-۲- قورباغه(غوک).....
۶۸	۱-۱۹-۲- غوکی که در مجاورت ماری خانه دارد.....
۶۸	۲-۱۹-۲- غوک و مار پیر شده.....
۶۹	۲۰-۲- کبک(دراج).....
۶۹	۱-۲۰-۲- کبک انجیری.....
۶۹	۲-۲۰-۲- کبک خوش خرام.....
۷۰	۲۱-۲- کبوتر.....
۷۰	۱-۲۱-۲- در باب دوستی کبوتر و موش و کلاغ و.....
۷۱	۲-۲۱-۲- حکایت جفتی کبوتر.....
۷۱	۲۲-۲- کفتار.....
۷۲	۲۳-۲- کلاغ که با واژگان چون زغن و غربان آمده است.....
۷۲	۱-۲۳-۲- زاغ ومار.....
۷۲	۲-۲۳-۲- در حکایت هشتم از باب شیر و گاو.....
۷۳	۳-۲۳-۲- در باب دوستی کبوتر و زاغ.....
۷۴	۴-۲۳-۲- باب زاغ و بوم.....
۷۵	۵-۲۳-۲- حکایت یک از باب بوم و زاغ:.....
۷۶	۶-۲۳-۲- زاغ مقلد.....
۷۶	۲۴-۲- گاو.....
۸۰	۲۵-۲- گربه.....
۸۰	۱-۲۵-۲- حکایت ۱ باب بوم و زاغ.....
۸۱	۲-۲۵-۲- گربه وموش.....

عنوان	صفحه
۲-۲۶-گرگ.....	۸۱
۲-۲۶-۱- حکایت ۸ از باب شیر و گاو.....	۸۱
۲-۲۶-۲- حکایت یک در ذیل حکایت یک باب دوستی.....	۸۲
۲-۲۶-۳-گرگ در باب شیر و شغال.....	۸۲
۲-۲۷- لاک پشت (باخه، سنگ پشت).....	۸۳
۲-۲۷-۱- دو بط و باخه.....	۸۳
۲-۲۷-۲- باخه در باب دوستی موش و کبوتر و	۸۴
۲-۲۷-۳- بوزینه و باخه.....	۸۴
۲-۲۷-۴- باخه جفت.....	۸۶
۲-۲۸- مار.....	۸۷
۲-۲۸-۱- حکایت ۴ از باب شیر و گاو.....	۸۷
۲-۲۸-۲- مار ذیل حکایت ۱۱ از باب شیر و گاو.....	۸۷
۲-۲۸-۳- مار پیر شده.....	۸۷
۲-۲۸-۴- مار در باب زاهد و راسو.....	۸۸
۲-۲۸-۵- مار در باب زرگر و سیاح.....	۸۹
۲-۲۹- ماهی.....	۹۰
۲-۲۹-۱- ماهیان و ماهی خوار.....	۹۰
۲-۲۹-۲- حکایت سه ماهی.....	۹۰
۲-۳۰- ماهی خوار.....	۹۱
۲-۳۱- مرغ.....	۹۲
۲-۳۱-۱- حکایت ده از باب شیر و گاو.....	۹۲
۲-۳۱-۲- در حکایت یک از باب بوف و زاغ.....	۹۳
۲-۳۲- مرغابی - بط (ماغ).....	۹۳
۲-۳۲-۱- حکایت هفت از باب شیر و گاو.....	۹۳
۲-۳۲-۲- حکایت نه (ذیل حکایت) شیر و گاو.....	۹۳
۲-۳۳- موش.....	۹۴
۲-۳۳-۱- در باب برزویه طبیب.....	۹۴
۲-۳۳-۲- در باب دوستی کبوتر و زاغ.....	۹۵

عنوان	صفحه
۲-۳۳-۳- موشی که تبدیل به دختری شد.....	۹۷
۲-۳۳-۴- گربه و موش.....	۹۷
۲-۳۴-۳- میمون- بوزنه.....	۹۸
۲-۳۴-۱- حکایت یک باب شیر و گاو.....	۹۸
۲-۳۴-۲- حکایت بوزنگان حکایت ده باب شیر و گاو.....	۹۹
۲-۳۴-۳- باب بوزینه و باخه.....	۹۹
۲-۳۴-۴- باب زرگر سیاح.....	۱۰۱
الحاقت.....	۱۰۱
۲-۳۵-۳- ازدها.....	۱۰۱
۲-۳۵-۱- در حکایت ۵ باب برزویه طبیب.....	۱۰۱
۲-۳۵-۳- در شعر مسعودی مروزی به سلطان مسعود.....	۱۰۱
۲-۳۶-۳- روزه.....	۱۰۲
۲-۳۷-۳- سیمرغ.....	۱۰۲
۲-۳۷-۱- در باب شیر و گاو در حکایت نه.....	۱۰۲
فصل سوم: نماد حیوانات در مرزبان نامه	
۳-۱-۱- آهو.....	۱۰۴
۳-۱-۱- آهو در باب دوم (آهو- موش و عقاب).....	۱۰۴
۳-۱-۲- آهوی قاصد.....	۱۰۵
۳-۲-۲- بز.....	۱۰۵
۳-۲-۱- بزغاله.....	۱۰۵
۳-۲-۲- بز نر (تیس).....	۱۰۶
۳-۳-۳- بط.....	۱۰۷
۳-۴-۴- بوم.....	۱۰۸
۳-۴-۱- بچه زاغ و خواستگاری بوم.....	۱۰۸
۳-۵-۵- پلنگ.....	۱۰۸
۳-۶-۶- خر.....	۱۰۹
۳-۶-۱- حکایتی در باب اول (شغال خرسوار).....	۱۰۹
۳-۶-۲- خر آسیابان.....	۱۱۰

عنوان	صفحه
۷-۳-۱- خرس	۱۱۰
۷-۳-۱- خرس در باب پنجم	۱۱۰
۷-۳-۲- خرسی که مدتی زهد پیشه می کند	۱۱۱
۸-۳-۸- خرگوش	۱۱۲
۸-۳-۱- خرگوشی در باب دادمه و داستان	۱۱۲
۸-۳-۲- خرگوش در باب ششم	۱۱۳
۸-۳-۳- خرگوش در باب هفتم	۱۱۳
۹-۳-۹- خروس	۱۱۴
۹-۳-۱- خروسی که باعث دشمنی میان گربه و موش شد	۱۱۴
۹-۳-۲- خروس در باب ششم	۱۱۵
۱۰-۳-۱۰- راسو	۱۱۶
۱۰-۳-۱- راسو و زاغ در باب نهم	۱۱۶
۱۱-۳-۱۱- روباه	۱۱۶
۱۱-۳-۱- حکایت روباه در باب دوم	۱۱۶
۱۱-۳-۲- روباه در باب هفت روباه	۱۱۷
۱۱-۳-۳- روباه در باب هشتم	۱۱۸
۱۲-۳-۱۲- سگ	۱۱۹
۱۳-۳-۱۳- شتر	۱۲۱
۱۳-۳-۱- شتری در باب هفتم مرزبان نامه	۱۲۱
۱۳-۳-۲- شتر در باب هشتم	۱۲۲
۱۴-۳-۱۴- شغال	۱۲۳
۱۴-۳-۱- حکایت شغال در باب اول	۱۲۳
۱۴-۳-۲- شغال دادمه در باب پنج	۱۲۴
۱۴-۳-۳- شغال داستان در باب پنج	۱۲۵
۱۵-۳-۱۵- شیر	۱۲۷
۱۵-۳-۱- حکایت شیری است در باب پنج	۱۲۷
۱۵-۳-۲- شیردر باب هفت	۱۲۹
۱۵-۳-۳- شیر در باب هفتم	۱۳۰

عنوان	صفحه
..... شیر در باب هشتم ۳-۱۵-۴	۱۳۰
..... فیل ۳-۱۶-۱۶	۱۳۲
..... فیل در باب هفت ۳-۱۶-۱	۱۳۲
..... زنج ۳-۱۶-۲	۱۳۲
..... هنج ۳-۱۶-۳	۱۳۳
..... عقاب ۳-۱۷-۱۷	۱۳۴
..... عقرب ۳-۱۸-۱۸	۱۳۵
..... کبک ۳-۱۹-۱۹	۱۳۵
..... کبوتر ۳-۲۰-۲۰	۱۳۷
..... کلاغ (غراب، زاغ) ۳-۲۱-۲۱	۱۳۸
..... غراب در باب هفت ۳-۲۱-۱	۱۳۸
..... زاغ در باب ششم ۳-۲۱-۲	۱۳۸
..... زاغ در باب هشتم ۳-۲۱-۳	۱۳۹
..... زاغ در باب نهم ۳-۲۱-۴	۱۴۰
..... زغن ماهی خوار ۳-۲۱-۵	۱۴۰
..... گربه ۳-۲۲-۲۲	۱۴۱
..... گرگ ۳-۲۳-۲۳	۱۴۱
..... گرگ در باب اول ۳-۲۳-۱	۱۴۱
..... گرگ در باب هفت ۳-۲۳-۲	۱۴۲
..... مار ۳-۲۴-۲۴	۱۴۲
..... مار در باب دوم ۳-۲۴-۱	۱۴۲
..... مار در باب چهارم ۳-۲۴-۲	۱۴۳
..... مار در باب هشت ۳-۲۴-۳	۱۴۳
..... ماهی ۳-۲۵-۲۵	۱۴۴
..... ماهی در باب شش ۳-۲۵-۱	۱۴۴
..... ماهی در باب نهم ۳-۲۵-۲	۱۴۴
..... ماهیخوار ۳-۲۶-۲۶	۱۴۴
..... موش ۳-۲۷-۲۷	۱۴۵

عنوان	صفحه
۱-۲۷-۳- حکایت موش در باب دوم.....	۱۴۵
۲-۲۷-۳- موش در حکایتی در باب چهارم.....	۱۴۶
۳-۲۷-۳- حکایت موشی است در باب ششم.....	۱۴۶
۴-۲۷-۳- موش در باب هفت.....	۱۴۷
۵-۲۷-۳- موش در باب هشت.....	۱۴۸
۲۸-۳- هدهد.....	۱۴۸
۲۹-۳- یهه.....	۱۴۹
فصل چهارم: بررسی تطبیقی نماد پردازی در کلیله و دمنه و مرزبان نامه	
۱-۴- آهو.....	۱۵۰
۲-۴- جغد(بوم).....	۱۵۱
۳-۴- خر.....	۱۵۲
۵-۴- خرگوش.....	۱۵۳
۶-۴- راسو.....	۱۵۴
۷-۴- روباه.....	۱۵۴
۸-۴- سگ.....	۱۵۶
۹-۴- شتر.....	۱۵۷
۱۰-۴- شغال.....	۱۵۹
۱۱-۴- شیر.....	۱۵۹
۱۲-۴- فیل.....	۱۶۰
۱۳-۴- کبک.....	۱۶۲
۱۴-۴- کبوتر.....	۱۶۲
۱۵-۴- کلاغ (زاغ غلیواژ و).....	۱۶۳
۱۶-۴- گربه.....	۱۶۵
۱۷-۴- گرگ.....	۱۶۶
۱۸-۴- مار.....	۱۶۷
۱۹-۴- موش.....	۱۶۸
نتیجه گیری.....	۱۷۰
منابع و مأخذ.....	۱۷۳

فصل اول

کلیات

۱-۱- نماد

در طول زندگی بشر، آدمی در رویاهای خویش بسیار سیر می‌کرده است، چنان‌که آدمی را باید چیزی جدای از این رویاها ندانست. در زندگی‌اش گاه چنان اتفاق می‌افتاده که در رویاهای خویش برای خود مدینه فاضله‌ای می‌ساخته و یا گاهی در رویاهای خویش به آسمان‌ها سیر می‌کرده است. رویا برای بروز خویش در عالم نیاز به عاملی اساسی دارد و این عامل نماد است. نماد را می‌توان در تمام شئون زندگی بشری جست‌وجو کرد. از زندگی عادی که انسان اولیه در غار داشته تا زندگی در زمان حاضر که: «تمامی علوم بشری، مانند هنرها و تمام فنی که از هنرها منشأ می‌گیرد، همگی در مسیر خود با نمادها آشنا می‌شوند. علوم بر آن‌اند تا معمایی که نمادها مطرح می‌کنند، برگشایند. ما در جهانی از نمادها زندگی می‌کنیم و جهانی از نمادها، درما زندگی می‌کنند.» (فرهنگ نماد، ۱۳۸۷: ۱۸) پس برای شناخت بهتر حتی از خود زندگی هم ما باید در پی شناسایی نمادهایی باشیم که در جریان زندگی همه افراد جامعه سیلان دارد: «انسان باشنده یا موجودی نماد ساز است، نماد را می‌سازد، پیدا می‌کند و یا می‌پروراند. آن‌را می‌شناسد و می‌شناساند.» (ناظر زاده کرمانی، ۱۳۶۸: ۲) چنان‌که بسیاری از رازها کلید شناسایشان در نماد پنهان شده‌است، چنان‌که امروزه نیز نماد برای خود جولان می‌دهد و برای کشف آن باید آدمی خود را به تکاپو وادارد و گاهی چنان شده‌است که آدمی این نمادها را به زندگی روزمره خود وارد می‌کند، به طور مثال رنگ زرد در طبیعت نماد خطر است و این ترس به طور ذاتی در نهاد هر انسانی نهفته است. توجه به نماد در زندگی اهمیت بسیاری دارد به گونه‌ای که راه نفوذ رویا در زندگی و هنر از طریق نماد است، نماد، از رویا و رویا، از ضمیر ناخودآگاه آدمی نشأت می‌گیرد و این می‌شود که آن‌چه به

صورت ناخودآگاه در درون آدمی نسل به نسل گشته است به یکباره در معرض عموم قرار می‌گیرد و این هنر رویاست که آدمی را مجذوب خود می‌کند: «نمادگرایی یکی از باستانی‌ترین، پر دامنه‌ترین، پر نفوذترین پیچیده‌ترین، ژرف‌ترین و شاید زیباترین شیوه‌ای است که انسان به کمک آنها، درونمایه‌های پر تکاپوی خیال، اندیشه و شهود را به صورت هنر آفریده است.» (همان: ۳)

نماد، با عقل سروکار دارد: «از نماد به عنوان خواهر همزاد عقل، و به عنوان الهام بخش کشفیات و پیشرفت‌ها، اعاده‌ی حیثیت شده. بخش عظیمی از التفات به نماد در این دوره، مدیون پیشگویی‌ها، در داستان‌ها و حکایات است. (فرهنگ نماد، ۱۳۸۷: ۱۷) این توجه به عقل است که هرگونه تفسیر ظاهرینی را رد می‌کند: «در هر تفسیر ظاهرین رمز می‌میرد، زیرا تفسیر ظاهرین، همواره رمز را به بیانی که بنا به تصور غالباً غلط مفسر از رمز که کامل‌تر است باز می‌گرداند و بدین‌گونه رسالت رمز را به نقش نشانه‌ قراردادی مناسباتی که از جهت و دیدگاهی دیگر شناخت‌شان کامل‌تر است تنزل می‌دهد.» (ستاری، ۱۳۷۲، ۱۲) تفسیر رمز در صورتی درست می‌نماید که خود رمز دچار هیچ‌گونه اختلالی نشود، اما امروزه بنا به دلایلی نماد و شناسایی آن دچار برخی کج‌تابی‌ها شده است و علت این امر را باید در این دانست که هرگونه تفسیری از نماد در حالت ظاهر خود از نوعی ضعف در تفسیر رنج می‌برد، چون هرکسی بنابر آنچه از نماد درک می‌کند. آنرا تفسیر می‌کند حال آن‌که به صورت عادی رمز دارای چندین معنی است: «رمز دو یا چند معنی دارد و برای تفسیر آن لازم است از چند علم تفسیر و توضیح معانی سود جست و نیز چندین روش به کار برد و حقیقت آنکه هر علم تفسیر و توضیح معانی، باید در عین حال ضروری و ناکافی تلقی شود.» (همان: ۴۸)

۱-۲- پیشینه نماد

معنای لغوی نماد، جسمی است به دو نیم شده که باید آدمی این دو را در کنار یکدیگر بگذارد تا بتواند به راز این دو شیء پی ببرد: «در ابتدا واژه *symbole* (نماد) به شیئی دو نیم شده اطلاق می‌شد، از جنس مینا، چوب یا فلز که هر نیمه را یک نفر نگاه می‌داشت. دو میهمان، طلبکار و بدهکار، دو زایر، دو نفر که مدت طولانی از یکدیگر جدا می‌افتادند. و با کنار هم قرار دادن این دو نیمه آنها بیعت خود را به یاد می‌آوردند. در میان یونانیان عهد باستان هم، سومبولوس علامت شناسائی بود که از طریق آن پدر و مادر فرزندان سر راه گذاشته‌ی خود را پیدا می‌کردند.» (فرهنگ نماد، ۱۳۸۷: ۳۵ - ۳۴)

شاید داستان رستم و سهراب نیز تحت تأثیر همین تعریف اولیه از نماد باشد؛ زیرا آن چه رستم، به یادگار نزد همینه برای فرزندش می‌نهد چیزی نیست، مگر وسیله شناسایی که باید با نشان دادن آن نشان، پدر فرزند خویش را به یاد آورد.

همان‌گونه که پیشتر گفته شد عقل را خواهر خوانده نماد می‌دانند و برای درک نماد، عقل بهترین ابزار است، اما این ابزار نیز با همه دبدبه و کوکبه خویش دچار نوعی ضعف است و آن هم ناشناخته بودن بخشی از نماد است که در ارتباط با روح است: «اولین کاربرد نماد وظیفه انکشاف آن است. همان‌طور که روحیه‌ی جست و جوگر وقتی با ناشناخته روبرو می‌شود، پژوهش می‌کند و کوشش دارد مفهوم حوادث معنوی افراد را در طول زمان و مکان باب شده توضیح دهد، نماد هم در واقع به شیوه‌ی خاص ارتباطی را درک می‌کند که عقل قادر به تشخیص آن نبوده است، زیرا یک انتهای آن شناخته و انتهای دیگر ناشناخته است.» (همان: ۴۵) در تعریف اولیه نماد، مهم‌ترین بخش تعریف همان چیزی که با شعور و ناخود آگاه آدمی سروکار دارد و دو دوست یا شریک و.. تمام خاطرات خود را به یاد می‌آورند، همانی که در حافظه آدمی به صورت دینه‌ای پابرجا مانده است تا در صورت نیاز آدمی در شرایط خاص از آن بهره‌مند شود: «فریود اعتقاد داشت که رویاها در شکل مبدل یا نمادین نمایانگر میلها، ترسها و تعارضهای سرکوفته هستند. این احساسات چنان به شدت واپس رانده شده‌اند که تنها در خواب و به شکل مبدل قادرند به سطح بیابند از این‌رو، فریود دو جنبه را در محتوای رویاها شناسایی کرد: رویادهای واقعی در رویاها (محتوای آشکار) و معنای نمادین پنهان این رویاها (محتوای نهفته)» (شولتز، ۱۳۸۸: ۷۸).

باید گفت امروزه با تحقیقات فراوان روان‌شناسان به این نکته پی‌برده‌اند که نمادها خاستگاهی دارند که برای شناسایی آن‌ها ابتدا باید به این خاستگاهها رجوع کرد و در صورت شناخت این خاستگاه، نمادی که برای انسان امروزی بیش از اندازه مشکل و مبهم می‌نماید، کاملاً ملموس و قابل درک می‌شود. مثلاً برای نماد ادبی چندین خاستگاه گفته شده که می‌توان این خاستگاهها را با دیدگاه روانشناسان نیز به گونه‌ای تطبیق داد، از جمله این خاستگاهها می‌توان موارد زیر را برشمرد: «۱- طبیعت: ارائه یک تصویر نمادین و رمزی از اشیاء طبیعی در کار همه شاعران دیده می‌شود یعنی شاعر پدیده‌های طبیعی مانند: سنگ، گل، ماه، دریا، درخت، ستاره و... را به کار می‌گیرد تا به مفهوم نامحسوسی که در ذهن دارد تجسم ببخشد و آنرا محسوس و قابل درک سازد. ۲- آیین‌های ملی و اساطیری: سرچشمه بسیاری از نمادهای ادبی، باورها و اعتقادات و اساطیر ملی و فرهنگی یک قوم است. هر قومی برای بیان ایده‌ها و نگرش‌های اساطیری خویش، نمادهای ویژه خود را دارد این نمادها برخاسته از بطن تجربه‌های آیینی، تاریخی و سنتی آن قوم است و در نزد همه افراد آن قوم مفهوم مشترکی دارد مثلاً در ایران لاله

سرخ، نمادشهادت است. ۳- دین و مذهب: آن دسته از عناصری هستند که شاعر یا نویسنده از گنجینه معارف دین و مذهب خاصی گرفته و به آنها ماهیت نمادین می بخشد. این نمادها معمولاً در میان پیروان یک آیین و مذهب پذیرفته شده است.» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۱۹۲ - ۱۹۱)

نماد، باید براساس شواهد گفته شده از آغاز زندگی بشری همراه او بوده باشد، چنان که این نماد مبهم باید روزی برای آدمی کاملاً ملموس بوده باشد و باید گفت، روزی جزئی از خودآگاهی‌های انسان بوده است. یونگ در این مورد می گوید: «در دوران اولیه، همان زمانی که مفاهیم غریزی در ذهن انسان شکل می گرفت، بی گمان حوزه خودآگاه توانست آنها را به صورت یک الگوی روانی به هم پیوسته شکل دهد.» (یونگ، ۱۳۶۸: ۱۴۶) ولی امروزه دسته‌بندی‌های اولیه از نماد با آن ملموسی در ذهن آدمی، امروزه در ناخودآگاه ذهن آدمی به مفهومی خیالی و کاملاً رویایی و انتزاعی تبدیل شده؛ یونگ در توصیفی که از ناخودآگاه می آورد بیان می کند: «آنچه را که ما ناخودآگاه می نامیم خصوصیات اولیه را که تشکیل دهنده ذهن ابتدایی است، در خود حفظ کرده است. نمادهای رویا مدام به همین خصوصیات اشاره می کند، گویی ناخودآگاه در پی این است که تمام چیزهای کهنه مانند توهمات، خیالبافی‌ها، فکرهای منسوخ شده، غرایز اصلی و غیره را که در روند تکامل از دست داده، دوباره احیا کند.» (همان: ۱۴۷)

گویا امروزه با این بیگانگی از نمادها، دیگر هیچ کس رعد را نعره خشمگین خداوند نمی داند و رودخانه و جنگل دیگر مأوای ارواح و پریان نیست و در این زمانه است که این نمادها دیگر معنای خود را از دست داده‌اند و شاید بهتر است بگوییم دیگر هیچ جسمی و یا حیوانی با آدمی به سخن در نمی آید تا آدمی وارد این دنیای خاص شود و بتواند زیبایی‌های این دنیای ماوراءذهن را درک کند و تنها راه چاره، در شناسایی رویاست، رویایی که از در ارتباط با نماد است می تواند این خلاء را پر کند.

۱-۳- تعاریفات نماد

در این بخش تعریف نماد را از منظر روانشناسان مورد بررسی قرار می دهیم؛ جایی که برای اولین بار شناسایی نماد به صورت علمی، توسط فروید و پس از او توسط شاگردش یونگ ادامه پیدا کرد.

در تعریف نماد به یک نکته مشترک در همه تعاریف می‌رسیم و آن، این است که منشأ و مأوای آن جایی نیست مگر در ناخودآگاه: «روانکاوی فرویدی با بررسی دستگاه‌های ناخودآگاه روان، کار ویژه رمز سازی را کشف کرد و بدین گونه ثابت شد بعضی پدیده‌های روانی، معنای دقیق ناخودآگاهی دارند که به معنای زندگی مربوط می‌شود و بروز آنها معقول یا نامعقول است.» (اسطوره ۸ ستاری، ۱۳۸۴: ۳۷) این است که هر آنچه ما نماد

می‌نامیم در زندگی روزمره، خود را آشکار می‌کند و دارای دو وجه است. وجهی که در ذهن آدمی خودنمایی می‌کند و وجهی که در عالم واقع است و آنچه در دنیای بیرون است راهنمای آدمی به دنیای رازآمیز درون است، تا نماد از این طریق شناخته شود: «در روانکاوی نماد، عبارت از تصویری است که معنای پنهان آن با معنای آشکارش یکی نیست و در عین حال میان صورت و معنی (دال و مدلول) نماد، وجه شبهی کم و بیش مستقیم می‌توان یافت. اما فروید، علاوه بر نماد ناخودآگاه، یعنی نمادی که معنایش بر آدمی معلوم است، از نماد ناخودآگاه نیز سخن می‌گوید و آن نمادی است که معنایش بر آدمی پوشیده است.» (ستاری، ۱۳۷۲: ۴۷۶) هرچند فروید، نماد را هم در خودآگاه می‌داند و هم در ناخودآگاه، اما گویا تأکید بیشتر او بر روی ناخودآگاه است؛ زیرا ناخودآگاه است که به یک باره خود را آشکار می‌کند و گرنه آنچه در خودآگاه است که ذاتاً آشکار است و آدمی نسبت به آن هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای ندارد، اما یونگ، برخلاف فروید نماد را منحصر به ضمیر ناخودآگاه می‌داند و آدمی را نیز در شناخت کامل نمادها دارای ضعف می‌داند، یونگ در این باره گفته است: «رمز دلیل و راهنمای آدمی به سوی معانی روانی است که هنوز بر وی معلوم نیستند و یا چیزی که آدمی به تصور خود قبلاً آن را می‌شناخته است، هرگز به صورت رمز در نمی‌آید، بلکه فقط در کسوت تمثیلات یا علامت بیان می‌شود و یا رمز به معنایی که من از آن مراد می‌کنم، بهترین بیان ممکن چیزهایی ناشناختنی است که هنوز قابل شناخت نیست.» (همان: ۱۲-۱۱) نماد، در ارتباط با رویاست و رویا در ارتباط با ناخودآگاه چنان که دکتر کزازی در کتاب رویا، حماسه، اسطوره در مورد زبان ناخودآگاه آورده‌اند که: «زبان ناخودآگاه زبان رویاست که ناخودآگاهی نهفته‌های خویش را بر ما آشکار می‌سازد. از این روی رویا دروازه رازهاست. دروازه‌ای است که جهان پیچ در پیچ و تاریک و رازناکی که جهان ناخودآگاهی است گشوده می‌شود.» (کزازی، ۱۳۷۶: ۷۸) همو در جایی دیگر در تعریف دیگری در مورد، زبان ناخودآگاه می‌آورد: «زبان ناخودآگاهی زبان نمادهاست. ناخودآگاهی روشن و راست و برهنه با ما سخن نمی‌گوید؛ آنچه را بخواهد بازگوید و باز نماید در جامه‌ای از راز در پوسته‌ای از نمادها فرو می‌پوشد و فرو می‌پیچد. پس برای آگاهی از آنچه در ناخودآگاهی می‌گذرد، به ناچار می‌باید زبان نمادها را دانست و راز آنها را گشود.» (همان: ۱۲۳) ایشان در هر دو جا زبان ناخودآگاه را هم زبان رویا و هم زبان نماد دانسته و این نشان از این است که نماد و رویا و ضمیر ناخودآگاه چند چیز متفاوت از هم نیستند، در ارتباط با هم هستند: «کارل یونگ نماد را همبسته رویا، و رویا را جلوه‌گاه ویژه ناخودآگاه شخصیت انسان می‌انگارد.» (ناظر زاده، ۱۳۶۷، ج ۲: ۳۷۱) با ارتباطی که نماد با رویا دارد می‌توان گفت نماد با دنیایی پر از نامفهومی و مجهولی سروکار دارد: «مشخصه رمز، برقراری نوعی ارتباط با امری مجهول و ناشناخته است. آنچه روان با ادراک رمز، تجربه می‌کند، شناخت یا روشنگری‌ای نیست که از اتصال و به هم پیوستن